



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کابل ۲۲ دسامبر ۲۰۰۸

کابل افغانستان، راپور مشروط به نشر: تاریخ ۳ جدی ۱۳۸۷ ساعت ۸:۳۰ قبل از ظهر به وقت کابل

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد افزایش تلفات غیر نظامیان در اثر منازعات مسلحانه جاری در افغانستان و تأثیرات منفی گسترده آن بالای زندگی مردم عادی و روند بازسازی در زمینه های مختلف به شدت نگران میباشد.

کمیسیون امروز مورخ 02 جدی ۱۳۸۷ خورشیدی دو گزارش جداگانه را که راجع به تخطیهای جوانب درگیر در جنگ افغانستان از قوانین بشر دوستانه بین المللی میباشد، منتشر نمود. این دو گزارش تحت عناوین " تخطیهای مخالفین دولت افغانستان علیه مردم ملکی" و " از امید به سوی ترس- دیدگاه افغانها راجع به عملیات نظامی نیروهای طرفدار حکومت در افغانستان" نتیجه تحقیقات وسیع و جداگانه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان میباشد که از ماه جدی - حوت ۱۳۸۶ و از ماه سرطان - میزان ۱۳۸۷ در افغانستان صورت گرفته است. این گزارش ها از لحاظ زمانی شامل تخطیهای میشود که از اواسط سال ۱۳۸۵ الی اواسط ۱۳۸۷ توسط جوانب شامل در منازعه مسلحانه صورت گرفته است.

در تحقیقات برای این دو گزارش محققین کمیسیون به مراکز و ولسوالیهای ولایات جنوب، غرب، شرق و جنوب شرق و حوزه مرکز کشور سفر های کاری انجام داده و علاوه از مصاحبه با بیش از ۱۷۰ تن بشمول شاهدان عینی، وابسته گان و اعضای فامیهای قربانیان، مسوولین محلی نظامی و ملکی دولتی، نظریات و معلومات مسوولین نیروهای بین المللی در افغانستان، مراکز صحنی، موسسات غیر حکومتی و بزرگان قومی و محلی را نیز جمع آوری نموده است. علاوه، شواهد فزینی بشمول اسناد، تصاویر، فلم های ویدیویی از صحنه های حوادث به شیوه مسلکی جمع آوری، مطالعه، تحلیل و ارزیابی و در مستندسازی گزارش ها بکار برده شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در بین گزارش ها رفتار و عملکرد گروه های مسلح مخالف دولت، نیروهای بین المللی و دولتی در وضعیت جنگ در قبال مردم ملکی را از دیدگاه قوانین بشر دوستانه بین المللی (قوانین جنگ) احکام و مقررات شریعت اسلامی در خصوص پیشبرد جنگ و قوانین ملی مرتبط که برای جوانب شامل در جنگ الزام آور میباشد، مطالعه و ارزیابی نموده است.

همچنان، این گزارش ها به مطالعه تأثیرات منفی نیز پرداخته است که رفتار جوانب درگیر در جنگ بالای زندگی روزمره مردم ملکی بخصوص آسیب پذیری دسترسی آنها به حقوق بشری در عرصه های گوناگون بشمول تعلیم، صحت، اشتغال گذاشته است. بهمین ترتیب، اثرات زیانبار روش های جنگی گروه های مخالف دولت بالای پروژه های عام المنفعه بازسازی را نیز مورد توجه قرار داده است.

یافته های کلیدی درین گزارش ها:

۱ - تخطیهای مخالفین دولت افغانستان علیه مردم ملکی

- گروه های مسلح مخالف دولت افغانستان در اجرای عملیات نظامی شان نتوانسته اند میان اهداف نظامی و غیر نظامی تفکیک قایل شوند و به هدف تضعیف دولت بصورت گسترده و سیستماتیک افراد غیر نظامی را هدف قرار داده اند. درین اهداف، دوکتوران، معلمان، متعلمین، خبرنگاران، بزرگان قومی، کارمندان بخش های ملکی دولت، کارگران روزمزد در پروژه های عمرانی عام المنفعه، شبکه های کمک رسانی بشری شامل میباشند که بصورت عمدی هدف قرار داده شده اند. مخالفین مسلح دولت هرآنکسی را که با دولت و یا نیروهای بین المللی رابطه داشته باشد بشمول افراد ملکی را دشمن تلقی نموده و با آنها به حیث هدف مشروع نظامی برخورد نموده اند.
- تأثیرات حملات مخالفین مسلح دولت بالای افراد غیر نظامی فراتر از قربانیان مستقیم چنین حملات بوده است. حملات بالای معلمان و مکاتب باعث گردیده است تا اطفال از دسترسی به تعلیم و تربیه محروم بمانند و ممانعت از تدارکات طبی و انجام حملات انتحاری بالای مراکز صحی دسترسی عموم مردم به خدمات صحی را صدمه زده است.
- مخالفین مسلح دولت کارکنان موسسات خیریه که کمک های بشری را به افشار آسیب پذیر و متأثر از جنگ فراهم میکنند، را نیز هدف قرار داده اند. اینکار باعث گردیده است تا چنین نهاد ها فعالیت های شانرا در برخی نقاط افغانستان متوقف نمایند. یکی از مثال های برجسته اینگونه موارد، حمله بالای کارکنان موسسه IRC در مسیر راه کابل - گردیز در ولایت لوگر در ماه اسد سال روان خورشیدی میباشد که در نتیجه آن سه تن از کارمندان این موسسه کشته شدند.

کشتار افراد ملکی، عدم تفکیک میان افراد ملکی و قوای دشمن، ایجاد رعب و وحشت میان مردم به غرض دستیابی به اهداف سیاسی بصورت واضح میرساند که مخالفین مسلح دولت، اصول و موازین حقوق بشر دوستانه اسلامی و قوانین بشردوستانه بین المللی را صریحاً نقض نموده اند.

۲ - راجع به عملیات نظامی نیروهای حامی دولت افغانستان

- حملات هوایی اکثرآ از همه اولتربا تلفات غیر نظامیان و خسارت مالی به آنها بوده است. این وضعیت در میان افغانها این تصور را ایجاد نموده است که نیروهای حامی دولت در مورد صدمات به غیرنظامیان، از بی اعتنائی کار گرفته و تلاشهای کافی بمنظور حفاظت از جان و مال مردم ملکی در جریان جنگ انجام نمیدهند.
- توسل وسیع نیروهای حامی دولت به حملات هوایی معمولاً منتج به رقم بلند تلفات غیرنظامیان میشود و احتمالاً این توسل بیانگر استعمال قوه بیش از حد و غیرمتناسب میباشد.
- عدم هماهنگی میان نیروهای حامی دولت و همچنان میان این نیروها و مسوولین محلی حکومت این نگرانی را بیشتر نموده است که این نیروها بر مبنای اطلاعات غیر موثق و اشتباه آمیز عمل نماید و نتیجتاً زندگی مردم ملکی بیشتر در معرض تهدید قرار گیرد.
- تلاشی های شبانه خانه ها توسط نیروهای بین المللی بیشتر شکل تهاجمی داشته و با بی احترامی نسبت به زنان، اطفال، و افراد مسن و یا سایر اشکال عملکرد که تخطی از عنعنات، فرهنگ و عقاید دینی مردم پنداشته میشوند، توأم میباشد. چنین روش و عملکرد، مردم افغانستان را به خشم آورده است.

- هرچند که تلاشی های منازل در نفس خود تخطی شمرده نمیشوند، اما روش و عملکرد نیروهای دخیل در آن باعث تحریک عکس العمل ها و واکنشهای اجتماعی گسترده گردیده است. نگرانی اساسی دیگر درین زمینه، فقدان اقداماتی است که باید برای تأمین پاسخگویی آنهاييکه این تهاجمات شبانه را اجرا میکنند، صورت گیرد.
- مردم ملکی تصور میکنند که هیچگونه تدابیری برای تعقیب عدلی مرتکبین تخطیها اتخاذ نمیگردد حتی اگر آنها واقعا مرتکب تخطیها هم باشند.
- این تصور مردم، به ادامه حمایت آنها از حکومت افغانستان و ماموریت نظامی بین المللی در کشور، صدمه زده است.
- عدم اعتراف و شناسایی قربانیان، معذرت خواهی و در برخی موارد عدم تأمین جبران خساره برای متضررین ، بصورت گسترده باعث قهر و تنفر اجتماعی نسبت به نیروهای حامی دولت شده است.
- نادیده گرفتن صدمات وارده به مردم ملکی و کوتاهی نیروهای بین المللی در انجام تحقیقات شفاف و علنی به این تصور مردم کمک نموده است که قوای بین المللی هیچ علاقمندی نسبت به پاسخگویی از اعمال شان نداشته و در مورد صدمات وارده به مردم عام افغانستان نگرانی ای ندارند.
- در برخی قضایا، نیروهای بین المللی نتوانسته اند تحقیقات شفاف و علنی انجام دهد و نتایج تحقیقات و تدابیر تنبیهی که ممکن اتخاذ نموده باشند، منتشر و به آگاهی مردم برسانند.

بررسی این قضایا نشان میدهد که نیروهای حامی دولت افغانستان در حادثات توضیح یافته درین گزارش، قوانین بین المللی حقوق بشر را قسماً نقض نموده که بر علاوه نبود تحقیقات شفاف و علنی و همچنان ابهام در مورد اقداماتی که باید برای تعقیب عدلی مرتکبین بهدفع تأمین پاسخگویی صورت گیرد در افزایش شک و تردید در تعهد این نیروها مبنی بر رعایت تعهدات شان در قبال قوانین ملی و بین المللی کمک نموده و میان آنها و مردم فاصله ایجاد میکند.